

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۹ - شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۷

صفحات ۱۸۹ - ۲۰۴

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب

سعید کریمی قره‌بابا*

چکیده

در این مقاله نوعی تشبیه متمایز و نوآورانه در مباحث بلاغی با عنوان تشبیه سلب و ایجاب معرفی می‌شود که علمای بلاغت تاکنون بدان توجه نشان نداده‌اند؛ در حالی که این تشبیه در شکل‌گیری صور خیال بدیع نقشی بسزا داشته است. شاعر در تشبیه سلب و ایجاب، ابتدا همانندی مشبه را به کسی یا چیزی رد و بلافاصله در پی آن شباهت همان مشبه را به کسی یا چیزی درست در نقطه مقابل مشبه به پیشین اثبات می‌کند. نگارنده با آوردن شواهدی از متون ادب فارسی، کیفیت این قسم از تشبیه را بیشتر روشن کرده است. کهن‌ترین کاربرد این نوع تشبیه در قصیده‌ای از ناصر خسرو یافته شده است. هدف از تشبیه سلب و ایجاب مانند هر تشبیه دیگری عمدتاً بیان حال مشبه یا مبالغه است؛ لیکن این اغراض بلاغی به طرز جدید و دیگرگونه به دست می‌آید. گوینده با ایجاد نوعی تقابل و تباین بین دو مشبه به دور از هم باعث می‌شود شباهت بیشتر تجلی یابد و احساس و عاطفه قوی‌تر منتقل شود. تباین یادشده همچنین زمینه تصویری‌تر شدن معنا را فراهم می‌آورد. علاوه بر این‌ها شاعران با استفاده از تشبیه سلب و ایجاب، ارتباطات نابیوسیده جدید و مضاعفی را میان اشخاص و اشیا و مفاهیم ناهمگون برقرار می‌کنند که این امر باعث شگفتی و اعجاب بیشتر خوانندگان می‌شود.

کلیدواژه: اغراض بلاغی، بلاغت، بیان، تشبیه سلب و ایجاب

۱. مقدمه

چنان که می‌دانیم صورت‌های مختلف خیال در کتب بلاغت سنتی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. در میان این چهار باب، تشبیه مهم‌ترین مبحث علم بیان تلقی می‌شود که فصول مشبعی را در کتاب‌های قدیم و جدید بیان به خود اختصاص داده است. تشبیه یکی از شیوه‌های کهن و بنیادین ایجاد ادبیّت در کلام بوده است و احتمالاً هیچ متن ادبی‌ای نیست که خالی از اقسام تشبیه باشد. «تشبیه در ادبیات ملل عموماً از نخستین اشکال تصویرگری نزد شعرا بوده است.» (داد، ۱۳۷۸: ۷۵) تعریف‌های بسیاری از تشبیه ارائه داده‌اند که اغلب آن‌ها یکسان است. در اینجا از جمله آن تعاریف به نقل تعریفی از محمد بن عمر الرادویانی بسنده می‌شود. رادویانی در اثر معروف خود *ترجمان البلاغه* که نخستین کتاب در تاریخ ادبیات فارسی درباره فن بدیع محسوب می‌شود، آورده است: «تشبیه آن است که چیزی را به چیزی مانده کنند به صورت و هیئت یا چیزی را بر چیزی مانده کنند به صفتی از صفت‌ها چون حرکت و سکون و لون و رنگ و شتاب و درنگ» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۴۴). در یکی از کتاب‌های معاصر نیز در تعریف تشبیه آمده است: «مانند کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه در میانه آن دو می‌توان یافت» (کرازی، ۱۳۶۸: ۴۰). محققان بعد از تعریف تشبیه، همت خود را مصروف دسته‌بندی انواع آن کرده‌اند. تشبیه چهار رکن دارد: مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه. به اعتبار کم‌وکیف ادات تشبیه، وجه شبه و طرفین تشبیه، انواع گوناگونی از تشبیهات پدید آمده است که سخن‌سنان در تبیین مشخصات هریک کوشش کرده‌اند. در عموم کتاب‌های بلاغت، نزدیک به سی نوع تشبیه معرفی شده است که پاره‌ای از آن‌ها جنبه تصنعی و هنر‌نمایانه دارد و کمتر کاربردی برای آن‌ها می‌توان متصور شد.^۱ موشکافی‌ها و نکته‌سنجی‌های طاقت‌فرسای علمای بلاغت در تبویب و تعریف اقسام تشبیه ستودنی است؛ با وجود این در دایره صور خیال گویندگان پارسی، گاهی به تشبیهاتی برمی‌خوریم که در کتاب‌های علوم بلاغی به شکلی مستقل و مجزا مورد

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب _____ ۱۹۱

بحث و کندوکاو قرار نگرفته‌اند. این مقاله تلاش دارد به یکی از انواع تشبیهات اشاره کند که تاکنون از نظر سخن‌شناسان دور مانده است. از آنجاکه ظاهراً تا به حال، کسی به این نوع تشبیه توجه نکرده است، نگارنده این سطور قصد دارد در صورت صواب دید صاحب‌نظران، این نوع تشبیه را تشبیه سلب و ایجاب نام‌گذاری کند. در این نوع تشبیه شاعر ابتدا احتمال ماندند دانستن کسی را به چیزی یا کسی مطرح می‌کند و سپس از تصمیم خود برمی‌گردد و ضمن رد ادعای پیشین، همان کس را به کس یا چیزی این بار قوی‌تر از مشبه‌به اولی مانند می‌کند که متضاد و مخالف با آن نیز است. شاعر از رهگذر این تشبیه، تصاویری بدیع می‌آفریند که ارزش‌ها و کارکردهای زیبایی‌شناختی بسیاری دارد. در ادامه مقاله کوشش می‌شود با ارائه شواهد گوناگون از لابه‌لای متون ادب فارسی، چند و چون این نوع تشبیه تحلیل و بررسی شود.

۲. پیشینه پژوهش

درباره تشبیه، کتاب‌ها و مقالات فراوانی از دیدگاه‌های بلاغی و سبک‌شناختی به‌ویژه در پیوند با متن پژوهی تألیف شده ولی در حیطه جست‌وجوهای نگارنده که با امکانات رایج انجام گرفت، تا به حال پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است. تنها در دو مقاله «نوعی تشبیه در ادب فارسی؛ تشبیه حروفی» نوشته علی‌رضا حاجیان‌نژاد و «تشبیه بدلی در مثنوی مولوی» نوشته سیدرضی میرصادقی، دو نوع تشبیه نویافته که تا آن زمان در کتاب‌های بیان مغفول مانده بوده، معرفی و به‌بوته نقد و بحث گذاشته شده است.

۳. بحث و بررسی

گفتیم که تشبیه مورد ادعای ما از دو قسمت سلب و ایجاب تشکیل شده است؛ قسمت اول این نوع تشبیه ادعای همانندی میان کسی یا چیزی را با کسی یا چیزی دیگر که مظهر آن صفت است، رد می‌کند. این دست تشبیهات در ادبیات فارسی

به‌وفور دیده می‌شود؛ برای مثال سعدی در دو بیت زیر ساحت معشوق را بلندتر از آن دانسته است که او را به آفتاب تشبیه کند:

تشبیه روی تو نکنم من به آفتاب کاین مدح آفتاب، نه تعظیم شأن توست
(سعدی، ۱۳۷۴: ۴۷)

تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد

دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی
(همان: ۴۲۷)

در حقیقت سعدی در این دو بیت، تشبیهی تفضیلی درانداخته است. مؤلف معالم‌البلاغه تشبیه تفضیلی را چنین تعریف کرده است: «گاهی ابتدال تشبیهی قریب و مبتدل را بدین طریق رفع نمایند که ابتدا چیزی را به چیزی تشبیه کنند، سپس از آن برگردند و مشبه را بر مشبه‌به ترجیح دهند» (رجایی، ۱۳۵۳: ۲۸۱). مثال معروف این نوع تشبیه، این بیت از فردوسی است:

یکی دختری داشت خاقان چو ماه کجا ماه دارد دو زلف سیاه
تشبیه سلب و ایجاب از مرحله سلب فراتر می‌رود و در کنار مشبه‌بھی که از آن، رفع همانندی به مشبه کرده است، مشبه‌به دیگری را مطرح می‌کند. برای نمونه شاعر در این بیت، سامری سیر بودن را از خود سلب و در مرحله بعد موسی سیرتی را برای خود ایجاب کرده است:

سامری سیرم نه موسی سیرت ار تا زنده‌ام در شَم گوساله آلاید ید بیضای من
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۲۲)

خاقانی می‌گوید: من موسی سیرتم و تا زمانی که زنده‌ام هرگز چنان نخواهد بود که دستم مانند سامری به زر آلوده شود. هرچند بر وجه انشایی و شرطی بودن سخن چنین اقتضا می‌کند که خاقانی موسی سیرتی را از خود سلب و سامری سیری را برای خویش ایجاب می‌کند، با دقت در سیاق سخن معلوم می‌شود گوینده خود را موسی سیرت دانسته است که هدفش هدایت مردم بود نه سامری سیر که مردم را گمراه

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب _____ ۱۹۳
کرد (ماهیار، ۱۳۹۰: ۷۰). یکی از شارحان دیوان خاقانی، تشبیه به کاررفته در این بیت
را تشبیه جمع تشخیص داده است (کزازی، ۱۳۸۰: ۴۹۲). در تشبیه جمع برای یک
مشبه، چندین مشبه‌به آورده می‌شود؛ برای مثال در این رباعی معروف از امیر معزی:

ای ماه چو ابروان یاری گویی یانی چون کمان شهریاری گویی
نعلی زده از زر عیاری گویی در گوش سپهر گوشواری گویی
(نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۷۵: ۶۸)

چنان نیست که در بیت مزبور، خاقانی خود را هم شبیه حضرت موسی و هم
سامری بداند بلکه سامری سیر بودن را از خود سلب و خویشتن را موسی سیرت خوانده
است. ما به این نوع تشبیه سلب و ایجاب نام داده‌ایم. در زیر سه بیت دیگر از خاقانی را
ذکر می‌کنیم که در آن‌ها تشبیه سلب و ایجاب طرح شده است. بدیهی است همه
ابیات مورد بحث در این جستار از ابعاد گوناگون بلاغی شایسته تحقیق است ولی
نویسنده صرفاً از دریچه تشبیه سلب و ایجاب بدان‌ها نگریسته است:

من میوه خام سایه پرورد نِیم جز چشمه خورشید جهان گرد نِیم
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۲۴)
من آفتابم سایه نِیم که گم گندم چو گم گند به کف آرد دگر قرینه من
(همان: ۹۱۱)
خاییده دهان جهانم چو نیشکر ای کاش نیشکر نیمی من کبستمی
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶۱)

کزازی در گزارش دیوان خاقانی خود که عمدتاً از شرح نکته‌های جزئی بلاغی
فروگذار نمی‌کند، درباره هر چهار بیت فوق هیچ توضیحی نداده است. بعد از خاقانی،
این مولانا است که در مثنوی و غزلیات شمس علاقه زیادی به آوردن تشبیه سلب و
ایجاب از خود نشان داده است. مشهورترین مثال این نوع تشبیه نیز شاید از آن اوست،
آنجا که در دفتر اول مثنوی از زبان حضرت علی (ع) خطاب به عمرو بن عبود
می‌گوید:

که نیم کوهم ز صبر و حلم و داد
 کوه را کی در رباید تندباد؟
 (مولوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۳)

مولانا در بیت فوق کاه بودن را از امام علی (ع) سلب و در مقابل ایشان را به کوهی از جنس صبر و حلم و داد تشبیه کرده است. ایجاد نوعی جناس میان که و کوه نیز بر ارزش زیبایی شناختی بیت افزوده است. به مثالی دیگر از مثنوی معنوی اشاره می‌کنیم:

من نیم فرعون که آیم سوی نیل
 سوی آتش می‌روم من چون خلیل
 (همان: ۳۰)

و این نیز شواهدی دیگر از غزلیات شمس:
 من نور پاکم ای پسر، نه مشت خاکم مختصر

آخر صدف من نیستم، من دُرّ شهوار آمدم
 (همان، ۱۳۸۱: ۵۳۸)

مولانا در بیت فوق دوبار تشبیه سلب و ایجاب را با هنرمندی تمام به کار بسته است. باید این نکته را نیز توضیح داد که در مصراع اول ابتدا اثبات و سپس رد صورت گرفته است که البته ریختی متفاوت از تشبیه مورد بحث انگاشته می‌شود.

چون زمین نیستیم یغماگاه
 ایمن و خوش چو آسمان گردیم
 (همان: ۶۶۴)

و اما در دیوان حافظ چند مثال برای تشبیه سلب و ایجاب یافت شد:

دل‌گشاده دار چون جام شراب
 سر گرفته چند چون خمّ دنی
 سنگ‌سان شو در قدم نی همچو آب
 جمله رنگ آمیزی و تردامنی
 (حافظ، ۱۳۸۵: ۳۵۷)

در این دو بیت، ساختی متفاوت از دیگر انواع تشبیه سلب و ایجاب دیده می‌شود؛ با این توضیح که شاعر در اغلب مثال‌های تشبیه سلب و ایجاب، از اول شخص مفرد استفاده کرده است ولی حافظ در بیت یادشده از مخاطب مفرد بهره گرفته است و این

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب _____ ۱۹۵
کاربرد نشان می‌دهد تشبیه سلب و ایجاب در اشکال و ساختارهای گوناگونی جلوه‌گر
می‌شود.

هنری‌ترین کاربردهای تشبیه سلب و ایجاب را باید در دیوان صائب تبریزی سراغ
گرفت؛ حتی استفاده از این نوع تشبیه را می‌توان یکی از مختصات سبک شعر صائب
به شمار آورد. در اینجا به ذکر شواهدی چند از دیوان صائب بسنده می‌کنیم:

نیستم آتش که هر خاری به زنجیرم کند آفتاب بی‌نیازم تا که تسخیرم کند؟
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۲۴۰)

نیستم چون کعبه در بند لباس عاریت

بید مجنونم که موی خود به سر پیچیده‌ام
(همان، ۱۳۶۸، ج ۵: ۲۵۵۸)

نیستم چون خار و خس بازیچه اطفال موج

کشتی نوحم که می‌خندد به طوفان خانه‌ام
(همان: ۲۵۶۷)

شاعران معاصر نیز مثال‌هایی والا و استوار برای تشبیه سلب و ایجاب آفریده و با
بهره‌گیری از خلاقیت‌های خاص خود، ظرفیت‌های محتوایی و زیبایی‌شناختی این نوع
تشبیه را گسترش داده‌اند. از اقبال لاهوری گرفته تا رهی معیری، با به‌کارگیری تشبیه
سلب و ایجاب، مضامین زیبا و متنوعی را در شعر خویش پرورده‌اند که موارد زیر از
آن جمله است:

پرده رنگم، شمیمی نیستم صید هر موج نسیمی نیستم
(اقبال لاهوری، ۱۳۸۹: ۷۸)

بار خاطر نیستم روشن دلان را چون غبار بر بساط سبزه و گل سایه پروانه‌ام
(رهی معیری، ۱۳۷۹: ۲۲)

غرق تمنای توام، موجی ز دریای توام من نخل سرکش نیستم تا خانه در ساحل کنم
(همان: ۱۲)

در این بند هم احمد شاملو از تشبیه سلب و ایجاب یاری گرفته است:

چندان دخیل مبند که بخشکانی‌ام از شرم ناتوانی خویش / درخت معجزه نیستم /
 تنها یکی درختم / نوجی در آبکندی / و جز اینم هنری نیست / که آشیان تو باشم /
 تخت و / تابوت (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۰۳۷).

گاه نیز بدون آنکه به صراحت از ادات تشبیه استفاده شده باشد، تشبیه سلب و ایجاب با استفاده از ساختار تقابلی صورت گرفته است:

حسرت نبرم به خواب آن مرداب که آرام درون دشت شب خفته است
 دریایم و نیست باکم از طوفان دریا همه عمر خوابش آشفته است
 (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۲۶۵)

کهن‌ترین استعمال تشبیه از نوع سلب و ایجاب را فعلاً در شعر ناصر خسرو یافته‌ایم:

چه عجب گر ندهد دیو مرا گردن؟ سروری‌اش چه کنم؟ من نه سلیمانم
 مر مرا آن‌ها دادند که سلمان را نیستم همچو سلیمان که چو سلمانم
 (ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۱۹۶)

با وجود این شاید با بررسی‌های دقیق‌تر، سابقه استعمال این شیوه از تشبیه به پیش‌تر از ناصر خسرو نیز برسد اما با امعان نظر در این نکته که الگوی کلی تشبیه در سبک خراسانی همواره ساختاری ساده دارد، احتمال وجود تشبیه گسترده‌ای از نوع سلب و ایجاب در شعر پیش از ناصر خسرو اندک است. بعید نیست ناصر خسرو نیز به دلیل داشتن روحیه حماسی و مناعت طبع از تشبیه سلب و ایجاب استفاده کرده است.

۱-۳. انواع سلب و ایجاب در تشبیه

برای تشبیه سلب و ایجاب می‌توان اقسامی قائل شد و آن را از زوایای گوناگون تقسیم‌بندی کرد.

۱-۱-۳. از حیث مجرد یا مقید بودن سلب و ایجاب

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب _____ ۱۹۷

هریک از بخش‌های سلب یا ایجاب این نوع تشبیه می‌تواند مجرد یا مقید باشد. «مجرد به صورتی ذهنی می‌گویند که فقط یک کلمه باشد.» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۲) و مقید آن است که همراه یکی از طرفین تشبیه صفتی یا مضاف‌الیهی یا قیدی دیگر باشد؛ مثلاً در این بیت:

کوه را کی در رباید تندباد که نیم، کوهم ز صبر و حلم و داد

(مولوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۳)

قسمت سلب این تشبیه یعنی «که» مجرد است ولی قسمت ایجاب آن مقید محسوب می‌شود؛ چرا که کوه مقید به قیدی شده است: کوهی از جنس صبر و حلم و داد. در بیت زیر از خاقانی:

پزگار نیستم که سر کژروی‌ام باشد کز راستی به جز صفت مسطری ندارم

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۸۲)

هر دو قسمت سلب و ایجاب که در تشبیه به کار رفته، مقید به قیدی است: پرگاری نیستم که سر کژروی داشته باشد (سلب) بلکه مسطری هستم که جز صفت راستی ندارد (ایجاب).

۲-۱-۳. به اعتبار یکسان یا متفاوت بودن سلب یا ایجاب

در همه مثال‌هایی که تا اینجا ذکر شد، قسمت‌های سلب و ایجاب تشبیهات دو چیز یا دو کس متفاوت بود اما گاه به شکل دیگری از این نوع تشبیه در متون ادبی برخورد می‌کنیم که شاعر در این حالت، شباهت مشبه به مشبه‌بھی مقید و محدود به یک صفت معین را سلب و تشبیه به همان مشبه‌به اما این بار مقید و محدود به صفتی دیگر را اثبات می‌کند. با تأمل در مثال‌هایی که در پی می‌آید منظور ما از این نوع تشبیه بیشتر روشن خواهد شد:

من از خزینه سلطان عقیق و دُر دزدم نیم خسیس که دزدم قماشه بزاز

(مولوی، ۱۳۸۱: ۴۷۴)

زین سپس انبان بادم، نیستم انبان نان زانک از این ناله است روشن این دل بینای من
 (همان: ۷۳۸)

شیر حقم، نیستم شیر هوا
 فعل من بر دین من باشد گوا
 (مولوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۳)

در بیت اول شاعر خود را شبیه دزد دُرّ و عقیق دانسته است نه دزد قماشه بزاز. در
 ابیات بعدی نیز مولانا به ترتیب ادعا می‌کند انبان باد است نه انبان نان و به همین نحو
 شیر حق است نه شیر هوا. تشبیهات به کاررفته در این ابیات مولانا را نیز می‌توان جزء
 ملحقات تشبیه سلب و ایجاب به حساب آورد:

ما نه زان محتشمانیم که ساغر گیرند
 و نه زان مفلسکان که بز لاغر گیرند
 ما از آن سوختگانیم که از لذت سوز
 آب حیوان به‌لند و پی آذر گیرند
 (مولوی، ۱۳۸۱: ۷۸۵)

دُگان چرا گیرم چو او بازار و دکانم بود

سلطان جانم پس چرا چون بنده جاننداری کنم
 (همان: ۵۳۳)

۳-۱-۳. از حیث تقدم و تأخر در سلب و ایجاب

در تشبیه سلب و ایجاب، اغلب چنان است که سلب بر ایجاب پیشی می‌گیرد اما
 گاه دیده می‌شود که ایجاب پیش‌تر از سلب می‌آید؛ مانند:
 گر موی من چون شیر شد، از شوق مردن پیر شد

من آردم، گندم نیم چون آمدم در آسیا
 (مولوی، ۱۳۸۱: ۵۲)

نور من چون برق، صائب پرده‌سوز افتاده است

نیستم شمعی که پنهان زیر دامانم کنند
 (صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۳/۱۲۷۲)

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب _____ ۱۹۹
نور خورشیدم، ز امداد خسیسان فارغم نیستم آتش که هر خاری کند رعنا مرا
(صائب تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۱)

۳-۱-۴. از حیث تعدد در سلب و ایجاب

اغلب شاعران در این نوع تشبیه از یک سلب و یک ایجاب بهره می‌گیرند ولی در بعضی موارد، سلب و ایجاب‌های متعدد در تشبیه به چشم می‌خورد؛ مثلاً:
کرم خاکی نیستم اینک بمانم در مفاک خویشان خاموش
نیستم شب کور کز خورشید روشنگر بدوزم چشم
آفتابم من که یک جا، یک زمان ساکت نمی‌مانم (شفا، ۱۳۴۹: ۲۰۰-۱۹۹).
شاعر در بیت فوق شباهتش به کرم خاکی و شب کور را از خود سلب و خویش را به آفتاب مانند کرده است (دو سلب و یک ایجاب) و در ادامه:
... کرم خاکی نیستم من، آفتابم، جویبارم، موج بی‌تابم (همان)
یک سلب و سه ایجاب آورده است. آیا می‌توان گفت در بند زیر نیز شاملو از چهار سلب و یک ایجاب استفاده کرده است:

قصه نیستم که بگویی / نغمه نیستم که بخوانی / یا چیزی چنان که بینی / یا چیزی چنان که بگویی / من درد مشترکم / مرا فریاد کن (شاملو، ۱۳۸۲: ۲۱۳).

۳-۱-۵. از حیث ساختاری

از ابعدی دیگر نیز می‌توان این قسم از تشبیه را دسته‌بندی کرد. برای مثال تشبیه سلب و ایجاب می‌تواند مضمّر باشد یا آشکار. «تشبیه مضمّر یعنی تشبیه پنهان، بدین معنا که ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است و به هر حال جمله قابل تأویل به جمله تشبیهی است» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۴۹). در این بیت از حافظ تشبیه سلب و ایجاب مضمّر صورت گرفته است:

چه تاج هدهدم از ره مبر که باز سفید چو باشه از پی هر صید مختصر نرود
(حافظ، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

این بیت حقیقتاً هنری ترین شکل ممکن از تشبیه سلب و ایجاب است، تشبیهی زنده و پویا که در ژرف ساخت آن، تشبیه سلب و ایجاب جریان دارد؛ بدین معنی که ظاهراً با ساختار تشبیه مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است. اگر جمله را تأویل کنیم به این صورت در خواهد آمد که «من مانند باشم که به دنبال شکارهای خرد و حقیر باشم بلکه شبیه باز بلند همتم».

از سوی دیگر تشبیه سلب و ایجاب می تواند در یک مصراع یا در یک بیت یا به صورت موقوف المعانی در دو بیت طرح شود. مثال های ذکر شده از ناصر خسرو و شفیع کدکنی در قسمت های پیشین حالتی موقوف المعانی را از این نوع تشبیه نشان می دهد.

گاهی تشبیه سلب و ایجاب در اوزانی دوری ملاحظه می شود:

من نور پاکم ای پسر، نه مشت خاکم مختصر

آخر صدف من نیستم، من دُرّ شهوار آدمم

(مولوی، ۱۳۸۱: ۵۳۸)

موسیقی تند و خیزابی اوزان دوری باعث برجسته شدن و تقویت معنای تشبیه

می شود.

۳-۱-۶. از حیث معنای دو سوی سلب و ایجاب

در برخی از نمونه ها دو سوی سلب و ایجاب کاملاً از لحاظ حوزه معنایی در

تضادند:

بانگ می زد آتش ای گیجان گول / من نیم آتش، منم چشمه قبول

(مولوی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۹)

اما در اغلب موارد دو طرف به طور مجازی در تقابل با همدیگر قرار می گیرند:

در پرده سوزم همچو گل، در سینه جوشم همچو مل

من شمع رسوا نیستم، تا گریه در محفل کنم

(رهی معیری، ۱۳۷۹: ۱۱)

نوعی تشبیه نویافته در ادب فارسی؛ تشبیه سلب و ایجاب _____ ۲۰۱
در بیت اول آب و آتش کاملاً در تضاد با یکدیگرند؛ چراکه در آن واحد با
یکدیگر جمع نمی‌شوند اما تقابل شمع با گل و مل به صورت مجازی است.

۳-۲. غرض بلاغی در تشبیه سلب و ایجاب

غرض از تشبیه سلب و ایجاب نیز مانند هر تشبیه دیگری بیان حال مشبه و اغراق
است. در حقیقت شاعر با مقابل هم قرار دادن دو چیز یا دو کس یا دو مفهوم درصدد
است از طریق ایجاد تباین و تقابل، موقعیت واقعی مشبه را نشان دهد و البته با حالتی
اغراق آمیز بر این موقعیت تأکید کند. سعدی در بیتی از بوستان، حال پیرمرد جهان‌دیده
کناره گرفته از جمع جوانان را چنین توصیف کرده است که وی مانند فندق لب از
سخن فرو بسته و سکوت کرده بود نه اینکه همانند پسته خندان لب باشد:

چو فندق دهان از سخن بسته بود نه چون ما لب از خنده چون پسته بود
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

فندق در ادبیات فارسی نماد لب‌بستگی و پسته مشبه‌به لب‌گشودگی و خندانی
است. شاعر از قِبَل ایجاد این تباین خواسته است معنی (سکوت‌پیشه کردن و
کناره‌گیری مرد سال‌خورده از جمع جوانان) بیشتر جلوه کند و احساس و عاطفه
قوی‌تر و مؤثرتر انتقال یابد؛ حال آنکه بدون ایجاد این تباین، شاعر مجبور بود به
ساختن و پرداختن یک تشبیه عادی تن در دهد بی‌آنکه از قدرت بیانی و رسانگی تشبیه
سلب و ایجاب مذکور برخوردار باشد. هر اندازه تباین ایجاد شده در تشبیه سلب و
ایجاب بیشتر باشد و دو مشبه‌به به دو قطب کاملاً مخالف و دور از هم تعلق گیرد، به
همان اندازه تشبیه بلوغ‌تر خواهد بود و حس زیبایی‌پرستی و ذوق مخاطبان را بیشتر
بر خواهد انگیخت و حال مشبه نیز تصویری‌تر نمایش داده خواهد شد.

به هر روی «تشبیه نشان‌دهنده وسعت و زاویه دید شاعر است و نشان می‌دهد که
شاعر چگونه توانسته میان اشیا و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛
ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر دریافت نمی‌شود»
(رضایی‌جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۷). شاعران با استفاده از تشبیه سلب و ایجاب ارتباطات

جدید و مضاعفی را میان اشخاص، اشیا و مفاهیم برقرار ساخته، با این شگرد، دستگاه بلاغی را از ابتدال و دست فرسودی خارج می‌کنند.

۴. نتیجه‌گیری

تشبیهی که در این مقاله، آن را سلب و ایجاب نام نهاده‌ایم، تشبیهی مبسوط و به تعبیر دیگر خوشه‌ای است که تاکنون در کتاب‌های علم بیان، سخنی از آن به میان نیامده است. در تشبیه سلب و ایجاب شاعر شباهت کسی را به کس یا شیء دیگر ردّ و بر شیء یا شخصی کاملاً متضاد و مخالف با مشبّه‌به قبلی اثبات می‌کند؛ مثلاً در مصراع «که نیم کوهم ز صبر و حلم و داد»، مولانا شباهت به کاه را از نفس نفیس حضرت علی (ع) سلب و در عوض، شباهت ایشان را به کوه تأیید کرده است. قدیم‌ترین کاربرد این نوع تشبیه را فعلاً در دیوان ناصر خسرو یافته‌ایم هرچند ممکن است در تبعات دقیق بعدی، سابقه استعمال این تشبیه به شاعران پیش از ناصر خسرو نیز برسد. هدف از تشبیه سلب و ایجاب مانند هر تشبیه دیگری بیان حال مشبه و مبالغه است اما این اغراض بلاغی به طرزی جدید و دیگرگونه به دست می‌آید. گوینده با ایجاد نوعی تقابل و توازی بین دو مشبّه‌به دور از هم باعث می‌شود معنا بیشتر تجلّی یابد و احساس و عاطفه قوی‌تر منتقل شود. تباین یادشده همچنین زمینه تصویری‌تر شدن معنا را فراهم می‌آورد. علاوه بر این‌ها شاعران با استفاده از تشبیه سلب و ایجاب ارتباطات نایوسیده جدید و مضاعفی را میان اشخاص، اشیا و مفاهیم ناهمگون برقرار می‌کنند که این امر باعث شگفتی و اعجاب بیشتر خوانندگان می‌شود.

پی‌نوشت

۰۱. برای نمونه رک: تقوی، ۱۳۱۷: ۱۵۹-۱۴۸ و جدّی، ۱۳۸۴: ۹۹-۷۶.

منابع

- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۸۹)، **کلیات محمد اقبال لاهوری**، به کوشش عبدالله اکبریان، چ ۴، تهران: الهام.
- تقوی، نصر الله (۱۳۱۷)، **هنجار گفتار**، تهران: چاپخانه مجلس.
- جدی، اسماعیل (۱۳۸۴)، **هنرهای شاعری (۲): معانی و بیان**، خوی: نشر قراقوش.
- حاجیان‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۰)، **نوعی تشبیه در ادب فارسی؛ تشبیه حروفی**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۰، صص ۳۸۷-۴۰۲.
- خاقانی، علی بن بدیل (۱۳۸۲)، **دیوان خاقانی شروانی**، با مقابله، تصحیح، مقدمه و تعلیقات ضیاء‌الدین سجادی، چ ۷، تهران: زوآر.
- _____ (۱۳۷۵)، **دیوان خاقانی شروانی**، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
- داد، سیما (۱۳۷۸)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چ ۳، تهران: مروارید.
- رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، **ترجمان البلاغه**، به تصحیح و اهتمام احمد آتش، چ ۲، تهران: اساطیر.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۵۳)، **معالم البلاغه؛ در علم معانی و بیان و بدیع**، چ ۲، شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- رضایی‌جمکرانی، احمد (۱۳۸۴)، **نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی**، دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره پنجم (پاییز و زمستان)، صص ۸۵-۱۰۰.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۷)، **بوستان سعدی**، با تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چ ۹، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۷۴)، **کلیات سعدی**، از روی نسخه تصحیح‌شده محمدعلی فروغی، چ ۴، تهران: اقبال.
- شاملو، احمد (۱۳۸۲)، **مجموعه آثار**، دفتر یکم: شعرها، چ ۴، تهران: نگاه.
- شفا، هوشنگ (۱۳۴۹)، **راهیان شعر امروز**، به کوشش داریوش شاهین، چ ۵، تهران: ارسطو.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۷)، **آیین‌های برای صداها**، چ ۲، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۱)، **بیان**، چ ۲، تهران: فردوس و مجید.
- صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۰)، **دیوان صائب تبریزی**، ج ۱، به کوشش محمد قهرمان، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

- _____ (۱۳۶۶)، دیوان صائب تبریزی، ج ۳، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۶۸) دیوان صائب تبریزی، ج ۵، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ علوی مقدم، محمد و رضا اشرفزاده (۱۳۷۶)، معانی و بیان، تهران: سمت.
- _____ کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸)، زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بیان)، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۰)، گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، ج ۲، تهران: نشر مرکز.
- _____ ماهیار، عباس (۱۳۹۰)، سحر بیان خاقانی، ج ۵، کرج: جام گل.
- _____ معیری، محمدحسن (۱۳۷۹)، دیوان کامل رهی معیری، تهران: افسون.
- _____ مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۱)، کلیات شمس تبریزی، ج ۱۶، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۵) مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: توس.
- _____ میرصادقی، سیدرضی، تشبیه بدلی در مثنوی مولوی، مجله رشد زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، شماره ۹۸، صص ۵۷-۵۹.
- _____ ناصر خسرو (۱۳۷۸)، دیوان اشعار ناصر خسرو، ج ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی (۱۳۷۵)، چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی، تهران: جامی.
- _____ همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، معانی و بیان، ج ۳، تهران: هما.